

تفکر خلاق در عکاسی دیجیتال

ذهن عکاس

نویسنده: رایکا نریمان - ترجمه: علیرضا بهارلو

www.ketab.ir

ذهن عکاس

سرشناسه: فریمن، مایکل، ۱۹۴۵ - م. Freeman, Michael

عنوان و نام پدید آور: ذهن عکاسی / نویسنده مایکل فریمن؛

ترجمه علیرضا بهارلو؛ [ویراستار مانی فرسای]

مشخصات نشر: تهران: کتاب آبان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص؛ مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۵۰۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: 2012, photographer's mind

موضوع: عکاسی

شناسه افزوده: بهارلو، علیرضا، ۱۳۶۳ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۱۴۵/۴۳۹

رده بندی دیویی: ۷۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۸۸۷۶۲

نویسنده: مایکل فریمن

مترجم: علیرضا بهارلو

ویراستار: مانی فرسای

طراح گرافیک: عطی شاد - ات - جعفر نیا

ناظر چاپ: کامیار علینقی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: جامع هنر

چاپ: ایپانه

صحافی: راد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۵۰۰-۰



انتشارات کتاب آبان

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوی فاتحی داریان، طبقه همکف، واحد ۱۰، شمال، پ. م. ۶۶۹۵۵۰، دورنگار: ۶۶۴۰۱۶۴۳

پست الکترونیک: info@abanbook.net • وب سایت: www.abanbook.net



فصل اول: هدف ۸

لایه‌های موضوع ۱۰

خوب جلوه نمودن ۲۱

زیبایی متفاوت ۳۹

هیولاهای خفته ۵۰

کلیشه و کنایه ۶۱

ارتقای امور پیش پا افتاده ۷۵

آشکارگی ۸۵

فصل دوم: اسلوب ۱۰۰

گستره بیان ۱۰۳

تعادل کلاسیک ۱۲۰

همسازها ۱۳۴

هدایت نگاه ۱۴۶

تقابل ۱۵۴

سبک گرافیک نازل ۱۶۷

مینیمالیسم ۱۷۴

سبک گرافیک والا ۱۸۲

بی‌نظمی طراحی شده ۱۹۵

فصل سوم: فرایند ۲۰۶

قالب‌های تصویر ۲۰۹

ترکیب‌بندی تعاملی ۲۱۷

زمان و حرکت ۲۲۳

نگاه ۲۲۸

فراواقعی نمایان ۲۳۲

غنی و پرمایه ۲۴۲

تحلیل رفته ۲۴۸

روشن ۲۵۱

«تمام خودکار است. تنها کاری که باید کرد فشردن یک دکمه است. این دوربینی است که هر تازہ کاری آن را می‌خرد. [با کمی درنگ و اشاره به سر خود] تماش در اینجا است»

هلموت نیوتن^۱

در عکاسی، رسمی رواج یافته که توضیح و نگارش جدی، در خطاب به مخاطب بی طرف است. افرادی که قرار نیست، پا فرا گذارند و چیزی مشابه را برای خود تجربه کنند. فکر نمی‌کنم هنگامی که سوزان سانتاگ^۲ کتاب «درباره عکاسی» را نوشت، توهم داشت خوانندگان خود را با مقوله عکاسی درگیر کند. او کارش را با این پیش فرض آغاز نمود که خوانندگان به عکس‌هایی که پیش‌تر گرفته شده‌اند نگاه خواهند کرد: «...فراگیری با عکس... یا گلچینی از عکس‌ها... جمع‌آوری عکس، جمع‌آوری دنیاست». زمانی که او از عکاسی مردم عادی بحث می‌کند، از آن به مثابه یک یک پدیده اجتماعی سخن به میان می‌آورد: «...بسیاری از مردم، عکاسی را به عنوان هنر به کار نمی‌گیرند. این پدیده در بیشتر مواقع آداب اجتماعی است...». این بخشی از سنتی گسترده‌تر برای تفسیر و نقد هنری است. گرچه ناقدان و مورخان هنری، هم‌چون جان راسکین^۳، برنارد برنسون^۴ و کلمنت گرین برگ^۵ برای نقاشان آینده امکانات فراهم نمی‌آوردند. با این حال هرچند این مسئله ممکن است برای اکثر هنرها قابل تفهیم باشد، اما باید گفت که

عکاسی حوزه‌ای متفاوت است. در جمله اخیر از واژه متفاوت استفاده کردم و این بدان دلیل است که تلفیق دیجیتال و پهن باند، در کنار تغییر در جایگاه و مقصود هنر، عصر عکاسی دموکراتیک را آغاز کرده است. مخاطب عکاسی خود، عکس را تهیه می‌کند! دردناک است. هنرمندان به ندرت در مورد این قضیه حس خوبی دارند، اما این شیوه‌ای تثبیت شده است و تصور می‌کنم زمان مناسبی است که خوانش عکس را با برداشت عکس همراه کرد. افزون بر این، شرح و تفسیر هنرها همواره بی‌طرفانه نبوده است. هنگامی که سیسرو در سده نخست پیش از میلاد کتاب «درباره عکس» را به رشته تحریر درآورد و زمانی که نیلوس پونانی، دیونیسوس لانگینوس بعدتر، سانسو را با عنوان «درباره امر والا» در باب شعاع و زاویه دید به نگارش درآورد، هر دو تعالیمی عملی را ارائه می‌کردند. در آن زمان هر فرد تحصیل کرده و صاحب دانش، به طور قطع به هنر بیان و ترسیم علاقه داشت. در حال حاضر نیز با نوعی عکاسی روبرو هستیم که میلیون‌ها انسان درگیر آن هستند. قابل توجهی از آن برای بیان خلاصه بهره می‌گیرند. آموختن خوانش بهتر یک عکس می‌تواند، و به احتمال فراوان باید، منجر به گرفتن تصاویری مطلوب‌تر شود. به هر تقدیر، این بحث و فرض من در مقال است.

البته پرسش میلیون دلاری آن است که چه چیز باعث ایجاد یک تصویر مطلوب می‌شود؟ این پرسشی است که از من بارها

در صحبت‌ها و مصاحبه‌ها پرسیده شده است که البته پرسشی دست‌نیافتنی و طفره‌آمیز به نظر می‌رسد. می‌توانستم در پاسخ بگویم «ساختار مناسب» یا هر تعداد ویژگی‌های خاص‌تر، اما این مسأله دامنه کار را محدود می‌سازد. اگر یک گام برای دیدن نمای کلی به عقب بازگردیم، تهیه فهرستی از ویژگی‌های تصویرپردازی خوب، در واقع آن چنان هم دشوار نیست. من شش مورد برای این امر در نظر می‌گیرم. شاید شما بخواهید چند مورد دیگر هم اضافه نمایید، اما معتقدم که آنها به عنوان زیرمجموعه‌های این موارد عمل می‌کنند. البته تمام تصاویر خوب از همه این موارد تبعیت نمی‌کنند، اما بیشتر آنها چنین هستند:

۱. آگاهی نسبت به این که چه چیزی در بیشتر مواقع متقاعدکننده است. حتی اگر تصویری از اصول و مبانی فنی و زیباشناختی تخطی کند، ضروری است که در راستای آگاهی از همین موارد قرار داشته باشد.
۲. تحریک و تهییج. اگر عکسی موجب برانگیختن و جلب توجه نشود، آن‌گاه تنها می‌توان به آن صفت «مناسب» را اطلاق کرد؛ نه بیشتر.
۳. چند لایه. عکسی که بر روی بیش از یک سطح کار می‌کند، مانند امور گرافیکی به همراه مفهومی عمیق‌تر، بهتر عمل خواهد کرد. ما نیز به عنوان بیننده خواهان کشف و دریافت هستیم.



۴. تطابق با زمینه فرهنگی. عکاسی تا حدود زیادی بخشی از خوراک بصری هر شخص است و در ذات خود، امری معاصر است. بیشتر افراد آن را به عنوان چیزی قبول دارند که به «اینجا» و «اکنون» می‌پردازد.

۵. داشتن ایده. هراتر هنری دارای ژرفایی از اندیشه است که بدان می‌پردازد. یک عکس نیازمند این است که تخیل بیننده را به خود جلب کند و نیز نگاه را مجذوب خود سازد.

۶. درستی و مطابقت با رسانه. این در واقع نگاهی بلندمدت در نقد هنر است که به موجب آن، هر رسانه هنری باید به کاوش و بهره‌برداری از آن چه در آن خوب است بپردازد و از سایر فرم‌های هنری. حداقل نه بدون استفاده از کنایه. تقلید نکند.